

مکتب معتزله

۲

ومذهب اعتزال بر پنج اصل کلی بنیاد نهاده شده است بدین تفصیل .

۱- القول بالتوحید ، وفيه ان الله تعالى واحد لا شريك له من اي جهة كان ، ولا كثرة في ذاته البتة ، وهو خالق الجسم وليس بجسم ، ومحدث الاشياء ، وهو منزه عن المخلوق ، ولا يرى بالابعاد ، لافي الدنيا ولا في الاخر .

۲- القول بالعدل ، وفيه ان الله تعالى لا يحب الشر والفساد و هو يرى من كل ذلك ولا يخلق ولا يفعل الاما فيه مصلحة للعباد وافعال العباد منسوبة اليهم يفعلونها بقدره خلقها الله فيهم ، ولهم استطاعة قبل الفعل .

۳- القول بالوعد والوعيد وفيه ان الله تعالى صادق في وعده ووعيده لا مبدل لكلماته فلا يغفر لكبيرة الابدالتوبة .

۴- القول بالمنزلة بن العنزلتين ، وفيدان صاحب الكبيرة ليس بكافر ولا مؤمن لكن فاسق والفسق حال مستقل عن الكفر والايمان ، ويستحق الفاسق النار لفسقه .

۵- الامر بالمعروف والنهي عن المنكر وفيه تكليف المؤمنين بالجهاد واقامة حكم- الله على كل من خالف امره او نهيه سواء كان كافراً أم فاسقاً .

۱- توحيد «يكنا پرستی» اینچنین که : خدايک است و خدای دیگر با او نیاز نیست، و در وجود او هیچگونه تعدد و کثرت و بسیاری نیست، او آفریدگار تن (جسم) است، اما خود جسم نیست همه چیز را او آفریده است، و اواز شباہت به مخلوقات منزہ و برکنار است، او ندر این جهان و ندر آنجهان بچشم دیده نمیشود .

۲- عدل دادگری که خداوند بزرگ شرف و ساد را خواهان نیست هستی او از بدیها

پاک‌وپاکیزه است، او هیچ چیز را نمی‌آفریند و هیچ کاری نمی‌کند مگر اینکه در آن کار برای بندگان مصلحت باشد. کارهایی را که بندگان انجام می‌دهند از خود آنها سر می‌زند، بندگان خدا کارهایی را که میکنند با نیروئی است که خداوند در نهاد ایشان آفریده است، و پیش از هر کار چنان نیروئی دارند که میتوانند آن کار را بکنند یا نکنند.

۳- الوعد و الوعيد - بیم و امید - یا مژده بهمت و ترس از دوزخ که خداوند نیکوکاران را مژده بهشت داده و برای بدکاران آتش دوزخ را کیفر نهاده است و خدا نیکوکاران را امیدوار نموده بدکاران را ترسانیده است در این بیم و امید خداوند راستگو است و بهیچ روی سخنان خداوند درین باره دگر گونی نمی‌پذیرد، و خداوند بندگان را که گناهان بزرگ کرده اند نمی‌آمرزد مگر پس از توبه و پشیمانی.

۴- المنزلة بين المنزلتين - جایگاه میانگین - که کسانی که گناه بزرگ میکنند نه کافرند و نه مؤمن و «فاسق» اند، و فسق يك حالی است مستقل و جدا از کفر و ایمان و فاسق سزاوار دوزخ است برای فسق.

۵- الامر بالمعروف والنهي عن المنکر - که مؤمنین مکلف میباشد حکم الهی را بر کسانی که مخالفت امریانهی او را نموده اجرا نمایند خواه آن مخالف کافر باشد یا فاسق. (۱)

این اصول پنجگانه را فرقه معتزله شالوده و پایه مذهب و مسلک خویش قرار داده و بدانها عقیده راسخ دارند،

ابی‌الحسین عبدالرحیم بن محمد بن عثمان الخياط المعتزلی که از پیشوایان و سران متعصب فرقه معتزله است در کتاب خود موسوم به «الانتصار والرد علی این راوندی الملحد» که در اثبات عقاید و آراء معتزله و رد شبهات و ایرادات مخالفین تألیف کرده است میگوید: «ولیس يستحق احد منهم اسم الاعتزال حتی يجمع القول بالاصول الخمسة: التوحيد، العدل، الوعد والوعيد، المنزلة بين المنزلتين، والامر بالمعروف والنهي عن المنکر

۱- کتاب «الفصل في الملل والاهواء والنحل» للإمام ابن حزم الظاهري الاندلسي وهو- الإمام أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم بن غالب بن صالح الأميري ولد بمدينة قرطبة في آخر يوم من رمضان سنة ۳۸۴ و توفي في سلخ شعبان سنة ۴۵۶ هجرى
کتاب الانتصار- ابن الخياط ص ۱۲۶ - ۱۲۷.

کتاب الفرق بين الفرق و بيان الفرقة الناجية منهم - تأليف الإمام الاستاذ أبو منصور عبد القاهر بن طاهر بن محمد البغدادي المتوفى في اسفرايين سنة ۴۲۹ هجرى ص ۹۴ کتاب الملل والنحل - للشهرستاني.

فاذا كملت في الانسان هذه الخصال الخمس فهو معتزلي . (۱)

مسعودی نیز همین اصول خمسه را بیان نموده و اهمیت آنها را در عقاید معتزلیان یاد کرده است . (۲)

مهم ترین اصول پنجگانه اصل چهارم است یعنی : القول بالمنزلة بين المنزلتين - این اصل در آغاز پیدایش مذهب اعتزال مورد بحث و مجادله و مناظره قرار گرفته و این فرقه با داشتن این عقیده از جمهور مسلمانان کناره گرفته و به (معتزله) موسوم گردیده اند . اهمیت این نظریه بدرجه ایست که مسعودی گفته است : اعتزال عبارت است از قول به : « المنزلة بين المنزلتين یعنی صاحب الكبيرة اعتزل عن الكافرين والمؤمنين » . (۳) معتزله روش کار و تبلیغات و نشر افکار و عقاید خود را بر دو رکن پایه گذاری نموده بوده اند :

۱- برنامه کار ۲ - هدف

۱- برنامه کار : پیش از آن ، رهبران و استادان معتزله برنامه کار خود را در تبلیغ و نشر افکار و عقاید خود بر پایه مباحثات کلامی و آزادی تحقیق در اصول (و حتی فروع) دین و مناظره در مسائل مذهبی بنیاد نهاده بودند .

استادان و مبلغین این گروه با مهارت و زبردستی برای گسترش افکار و عقاید خویش با اختلاب عقول و اختلاس افکار و اجتناب و گرویدن نفوس بمرام و عقاید ایشان برنامه : تشکیک ، تخریب ، بنیاد را در پیش گرفته بوسیله انتشار افکار فلسفی و مباحثات و مناظرات دینی در ایمان راسخ و باور استوار و عقاید پای برجای توده مردم خلل و تزلزل و تشکیک ایجاد کرده ، و پس از آنک زمین افکار و عقول مردم را آماده میکردند با بیانات شیوا و ادله منطقی و بوسائل دیگر که بعداً به تفصیل گفته خواهد شد . بتخریب معتقدات دیرینه و عقاید راسخه می پرداختند ، آنگاه در سومین مرحله تخم عقاید و افکار خویش را پاشیده نهال اعتزال را در دل های شسته و روفته و آماده می نشانده اند .

و اصول کلامی پنجگانه که گفته شد فصل ممیز و عنوان خاص و رنگ ویژه معتزلیان قرار گرفته هرگز هدف اصلی آنان نبوده بلکه وسیله بود که افکار پیروان خویش را از دیگران مشخص و ممیز بنمایند .

۱- کتاب الانتصار والردعی ابن راوندی الملحد - الخياط ص ۱۲۶ - ص ۱۲۷ .
 با تصحیح و مقدمه دکتر نیبرج الاستاذ بجامعة اسبالة من مملكة السويد - طبع دار الكتب المصرية .

۲- کتاب مروج الذهب - مسعودی - ج ۶ ص ۲۳ طبع پاریس .

۳- کتاب مروج الذهب - مسعودی - ج ۶ - ص ۲۳ و ج ۷ - ص ۲۳۴ چاپ پاریس .

۲- هدف: هدف اصلی این گروه و آرمان اصلی پیشوایان این فرقه: حکومت دادن عقل و قبول رهبری این نیروی لایزال جاویدان و شگفت خداداده در همه امور چه در اصول دین و چه در فروع بوده است بدین تفصیل:

انسان دارای (خرد) و (آزاده) میباشد، خداوند مردمرا خرد داده و آزاده آفریده است، میتوانند با این نیروی خداداده فکر کنند، بحث و تعمق کنند و تشخیص دهند، خرد پیامبری است در اندرون مردم که ایشانرا همواره رهبری میکند، رهنمونی مینماید راه را از چاه، خوب را از بد، زشت را از زیبای نمایاند. ما باید این پیامبر درونی و دستورها و رهنمونیهای او را بپذیریم و بر آن کار کنیم ما بوسیله این پیامبر درونی (عقل): خدا، پیامبران خدا را مانند: زرتشت موسی عیسی و حضرت محمد (صلوات الله علیه) را شناخته و بدیشان ایمان آورده ایم. پس نیرو و رهبری که ما را بسوی خدا و پیامبران و رهبران بشر هدایت نموده واجب الطاعه و مفترض الطاعه میباشد هرگز نمیتوانیم رهنمونیها و دستورهای خرد را باور نکرده و دروغ پنداریم، زیرا اگر ما بر تشخیص خرد پشت پا بزنیم لازم می آید که بخدا و پیامبران او کفر و ورزیم.

و نیز نمیتوانیم در رهبری و دستورها و رهنمونیهای عقل تبعیض و تجزیه قائل شویم یعنی جایی تشخیص عقل را قبول و جایی رد نائیم، زیرا این خلاف منطق صحیح و فطرت اولیة بشری است.

باری معتزله بارهبری عقل می خواستند مدینه فاضله و مجتمع بشری را بر اساس قوانین منطق عقلی و رهبری عقل سلیم بنیاد کنند.

پس از اصول و عقاید دینی مجتمع بشری را بر شالوده عقول بنیاد نمایند و برای مردم مجتمع و مدینه فاضله بنیاد کنند که همه اصول و نظامات و قوانین آنرا از: حقوق افراد، خانواده، خراج، قضاء حکومت و غیره عقول و عقلای مردم تدوین و تنظیم نمایند.

هدف فرقه معتزله و آرمان ایشان این بود بارهبری عقل یک جامعه مدنی انسانی و یک حکومت مدنی و یک قانون مدنی بوجود بیاورند، یعنی هدف آنان چیزی بود که امر و بنیاد گذاران و پیشروان تمدن جدید عصر حاضر آنرا از ابتکارات و اختراعات خویش میدانند؟ نتیجه مستقیم این کار معلوم است اول نابودی حکومت بیگانه، ویرانی و واژگونی حکومت خلفا و بنیاد دولت مستقل ملی، و این بزرگترین هدف و آرزوی بوده که گروه معتزله و همه دستهها و گروههای آزاد مردان ایرانی تحت عناوین مختلف با حکومت خلفا مبارزه میکردند، تا آنرا براندازند، و این را برپای نمایند.

اصول عقلایی که همه استادان و پیشوایان و رهبران معتزله با وسائل و بطریق گوناگون

و با تبلیغات و تشبیهات مختلفه برای رسیدن بآنها و اجرای آنها کار و کوشش میکرده اند اینها است :

- ۱- اصل حکومت عقلیه
- ۲- اصل حسن و قبح عقلی
- ۳- اصل حسن و قبح ذاتی و فطری
- ۴- اصل معارف ضروریه و علوم لازمه
- ۵- اصل مسئولیت و تبعه
- ۶- اصل تولید اعمال و افعال
- ۷- اصل طبیعت

این اصول هفتگانه میانه همه مدرسه‌ها و فرقه‌های مختلفه معتزله قدر مشترک و جهت جامعه بوده و همه استادان و پیشতازان نامدار این فرقه بواسطه و طرق گوناگون برای رسیدن بآن و در اجرای آنها میکوشیده اند .
از این اصول هفتگانه به تفصیل و همچنین از اصول اجتماعی دیگری که معتزله داشته‌اند مانند : اصل عدم تمرکز اموال بعداً سخن خواهیم گفت .

علم کلام

در تضاعیف مطالب گذشته از اصول کلامی و مباحثات و مناظرات معتزله که برشالوده منطق و فلسفه استوار گردیده بود اجمالاً سخن رفت ، علم کلام یعنی علم اثبات اصول دین و عقاید مذهبی بوسیله براهین منطقی برشالوده فلسفه یونانی و قوانین حکمت ارسطو طالبیست . از این روش مجادله و مناظره مذهبی و مباحثات دینی ، علم خاصی بوجود آمده که آنرا : «علم کلام» نامیده‌اند .

بنیادگذار این علم ابوعلی محمد بن عبدالوهاب الجبائی بوده و او نیز پیشوا و رهبر معتزله بوده است و نخستین کسی است که افکار مدرسه اعتزال را در خوزستان و سپس در جهان

اسلام رواج داد . (۱)

علاوه بر نهضت معتزله و انتشار مباحثات و مناظرات منطقی آن گروه ، عوامل وعللی دیگر نیز در جنب آن موجب پیدایش و تدوین علم کلام گردیده است بدین تفصیل :

سرچشمه عام کلام

علم کلام: نخست از خود اسلام سرچشمه گرفته است، زیرا در قرآن کریم کتاب اسلام در ضمن بیان توحید و نبوت و دیگر مسائل دینی متعرض عقاید پیروان ادیان دیگر میگردد و در مقام رد آراء آنان برآمده است : عقاید دهریها پرستندگان آفتاب ، ماه، ستارگان اصنام و غیره را باطل شمرده ، که گفته اند : «وما یهلکنا الا الدهر» . ابراهیم در مقام اثبات عقیده توحید خود ورد عقاید پرستندگان ستارگان گفت: **فلما جن علیه الیل رای کو کباً** **قل هذری، فاما اقل قال لا احب الا فلین،**

و در مقام رد منکرین نبوات انبیاء میگوید : «ابعث الله بشراً رسولا؟ و بالاحره اولین دستور مجادله و مناظره دینی در قرآن آمده که میفرماید : «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» و معلوم است که دعوت به مذهب توحید و نبوت محمد به دانش و حکمت و مجادله با مخالفین با بهترین طرق مجادلات فتح باب کاری است که همه کس نمیتواند آنرا انجام دهد، و مردم عادی هرگز یارای آنرا ندارند که بطریق حکمت و با بهترین طرق مجادلات مردم را به مذهب توحید و نبوت محمد صبحوانند ، زیرا دعوت به نیروی حکمت و دانش و بهترین روش مجادله و مناظره چیری جز «علم کلام» نمیشد که بایستی مرد مسلمانی که بخواهد دعوت نماید آنرا فرا بگیرد آنگاه با قدرت آن دانش و نیروی چنان فرهنگ با مخالفان به مناظره پردازد .

۱- جیبی : بضم اول و فتح باء و یاء آخر یکی از شهرهای خوزستان است .

بر کرانه خلیج پارس واقع بوده ، اصطخری گوید : «جیبی شهری است با روستاهای پهناور و بسیار آباد ، دارای نخلستانها و کشتزارهای نیشکر» ابوعلی جبائی از مردم این شهر بوده ، و در سال ۲۳۵ هـ متولد و در سال ۳۰۳ هـ درگذشت و در همین شهر بخاک سپرده شد . تصانیف بسیاری در علم کلام و شرح مسلک اعتزال دارد، ابوعلی بنیادگذار علم کلام و مذهب اعتزال میباشد مدرسه ابوعلی جبائی در شهر جیبی خوزستان در زمان خودش شهرت یافت و از اطراف و اکناف جهان اسلام برای فراگرفتن علم کلام به آن شهر شد رحال میکردند .

چنانکه ملاحظه میشود بنیاد علم کلام یعنی علم اثبات اصول دینی اسلام از توحید ، صفات باری عدل حشرونشر و نبوت و غیره با ادله منطقی و استدلالاتی عقلی و غیره و مجادله و مناظره با مخالفان اسلام وردعتاید ایشان با دله قاطعه در همان آغاز پیدایش اسلام نهاده شده است.

علم کلام که - گفته شد - شالوده آن در قرآن نهاده شد - و عبارت میباشد از: دعوت به توحید ، نبوت ، و سایر مسائل دینی - بر پایه فطرت و عقل سلیم انسانی و تشخیص قوای دراکه حسی میباشد . ، زیرا قرآن و اسلام برای عده معدودی فیلسوف و دانشمند نیامده است ، بلکه برای عامه و توده مردم میباشد اما فطرت و طبیعت و عاطفه انسانی قدر مشترک میان همه مردم میباشد.

قرآن چنین دعوت میکند که : هر کس از افراد بشر که فطرتش سالم باشد ، میداند که این زمین ، آسمان ، آفتاب ، ماه ، ستارگان ، ریزش باران ، روئیدن گیاهان و درختان ، خلق انسان ، حیوانات همه چیزهایی است که باید آفریدگاری داشته باشند و همان خدای بزرگ است ، آن خدا باید یکتا باشد زیرا اگر دوویا چند خدای برجهان فرمان روائی کند ، آشفتنگی زمین و موجودات رافرا میگیرد «لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا و اذن لذهب كل اله بما خلق ولعلی بعضهم علی بعض»

و این خدای یکتا چنان نیروئی دارد که هر چه می خواهد میکند در صورتیکه هیچ آفریده نمیتواند یکی از کوچکترین کارهای او را انجام دهد و این را بطور طبیعی و فطری همه کس میدانند و نیز میفرماید :

«ان الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذباباً ولو اجتمعوا له وان يسلبهم الذباب شيئاً لا يستنقذوه منه ضعف الطالب والمطلوب ما قدر الله حق قدره ان الله لقوى عزيز» .
چنانکه خداوند در بیان اثبات این معانی میفرماید :

«الذين يتفكرون في خلق السموات والارض ربنا ما خلقنا هذا باطلا» .

و نیز گوید : «تبارك الذي جعل في السماء بروحاً وجعل فيها سراجاً و قمراً

منيراً»

و نیز گوید : «فلينظر الانسان الى طعامه اناصبنا الماء صباً ، ثم شققنا الارض شقاً ، فانبتنا فيها حباً و عنباً و قصباً و زيتوناً و نخلاً و حقائق غلبا و فاكهة و آباً» .

فلينظر الانسان مم خلق خلق من ماء دافق ، يخرج من بين الصلب والترائب ،
«افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت و الى السماء كيف رفعت و الى الجبل كيف نصبت

والی الارض کیف سیاحت»

«وآیه لهم الارض المیته احییناها واخرجنا منها حیاً فمته یا کلون»

خلافت- امامت

مسئله دیگری که نیز در صدر اسلام موجب پیدایش مناظرات و مجادلات مذهبی و دینی گردید مسئله امامت یا خلافت بوده است .

پس از درگذشت حضرت پیامبر اسلام موضوع جای نشین او اختلافات عظیمی میان مسلمانان و دو دستگیهای ایجاد نمود که بعدها حوادث خانمانسوزی بیار آورد . گروهی طرفدار خاندان پیامبر بوده و گفتند علی داماد و پسرعمو و بزرگترین یاری کننده پیامبر پس از او بنص صریح خود رسول اکرم و فرمان الهی جای نشین او می باشد . و گفتند پیامبر مکرر این امر را یادآوری نموده و بعلاوه در حجة الوداع در مدلیکه (خم) نامداشته در کنار غدیر (استخر) آن بر منبر رفته و علی را بجای نشینی خویش معرفی و تعیین نموده است .

گروهی نیز طرفدار خلافت ابوبکر و عمر بوده و گفتند چون پیامبر درگذشت جای نشین معین ننمود این حق بخود مردم وا گزار شده است تا هر که را بخواهند بریاست دنیائی خویش بگمارند و مردم نیز ابوبکر را انتخاب نمودند .

این داستان و تاریخ وقایع خلافت و یوم سقیفه از فصول مبسوط و مفصل و عبرت انگیز تاریخ اسلام میباشد، در اینجا ما از ذکر آن خودداری میکنیم زیرا این تاریخ است، و آنچه که در اینجا برای ما مهم است این است که نتیجه این حوادث و وقایع سرانجام پیدایش دودسته بود که در ادوار بعدی شیعیه و دیگری سنی معروف و مشهور گردید و حوادث بعدی نیز موجب گردید که بواسطه روی کار آمدن دو خاندان خلفای بنو امیه و بنی العباس قدرت و اکثریت ظاهری بطرف سنیها قرار گرفته و شیعیه با وجود آنکه همیشه اکثریت داشته اند در اقلیت و ضعف ظاهری قرار بگیرند .

بهر حال پیدایش این واقعه و وجود دودسته شیعیه و سنی خود موجب فتح باب عظیم مجادله و میباحثه و مناظره درباره امامت و خلافت گردیده و در اطراف این مسئله هزاران قروع و مسائل مربوط بان بتدریج پیدایش می یافت .